کوهسارِ نو
سالنامهٔ فرهنگی و ادبی
۳
۱۴۰۴ – ۱۴۰۵

مشاعرهٔ بهمنِ دبیرستانِ دخترانهٔ نرگس و آیینِ سپردنِ عصا به نسلِ تازه

گزارش از: مهتاب رادمنش

بعدازظهرِ پنجشنبه ۲۲ بهمن، سالنِ اجتماعاتِ دبیرستانِ دخترانهٔ نرگس پر از جمعیتی بود که بیشترِ آن را دانش‌آموزان تشکیل می‌دادند. صندلی‌ها تا ردیفِ آخر پر شده بود و عده‌ای نیز ایستاده در کنارِ دیوارها ایستاده بودند. مشاعرهٔ سالانهٔ بهمن، که از سال ۱۳۷۲ برگزار می‌شود، امسال به‌گفتهٔ برگزارکنندگان بزرگ‌ترین دوره‌اش از نظرِ تعدادِ شرکت‌کنندگان بود. ۱۴۶ دانش‌آموز از ۱۲ کلاس در این برنامه شعر خواندند.

مشاعره ساعت ۴ و ۱۵ دقیقه با تلاوتِ آیه‌ای از سورهٔ نور آغاز شد. سپس مدیرِ دبیرستان، خانم فرزانه کیانی‌مهر، پشتِ تریبون رفت و گفت که انتخابِ این تاریخ عمدی بوده است. به گفتهٔ او، بهمن ماهِ کوهسار هم‌زمان است با روزهایی که بسیاری از دانش‌آموزان برای نخستین بار در انتخاباتِ شورای دانش‌آموزی رأی می‌دهند. او افزود: «می‌خواستیم به دختران یاد بدهیم که صدایشان فقط در کلاس شنیده نمی‌شود.»

داورانِ این دوره سه نفر بودند: خانم مهتاب رادمنش، دبیرِ ادبیاتِ فارسی و سرپرستِ انجمنِ ادبی دبیرستان؛ آقای کامران سپهرنیا، شاعر و مدرسِ دانشگاه که سال‌ها در کنارِ نرگس برنامه اجرا کرده است؛ و خانم دکتر نسرین وفادار، عضوِ هیئتِ علمیِ دانشگاهِ کوهسار و پژوهشگرِ شعرِ کلاسیک. داوران پیش از شروع اعلام کردند که معیارِ اصلی‌شان نه فقط وزن و قافیه، بلکه «نسبتِ شعر با زندگیِ امروزِ نوجوان» است. این جمله بعدها بارها در میانِ شرکت‌کنندگان تکرار شد.

نخستین شاعر، نگار یزدان‌پناه از کلاسِ دهمِ ریاضی، غزلی درباره‌ی کتابخانه‌ی محله خواند و سالن را با بیتی درباره‌ی بوی کاغذِ کهنه و صدای ورقِ زدن غرق در سکوت کرد. پس از او، ۱۴ دانش‌آموز دیگر به ترتیب بالا آمدند. برخی از آنان برای نخستین بار شعرِ خود را در جمعی این‌چنین بزرگ می‌خواندند. صدای لرزشِ دست و نفسِ بریده‌بریده‌ی چند نفر از آنان، به‌جای آنکه نقص تلقی شود، به فضای صمیمی‌تر برنامه کمک کرد.

در میانه‌ی برنامه، گروهِ تئاترِ مدرسه با اجرای کوتاهی از شعرِ «پنجره‌ها هنوز باز است» نوشته‌ی خانم مهتاب رادمنش، بخشی از برنامه را به خود اختصاص داد. در این اجرا، دانش‌آموزان بدون کلمه و تنها با حرکت و نور، فضای یک خانه‌ی قدیمی را ساختند. این بخش با تشویقِ ایستاده‌ی حاضران همراه شد. به گفته‌ی برگزارکنندگان، فیلمِ کامل این اجرا در کانالِ آپارات مدرسه در دسترس است.

در پایان، داوران به شور رفتند و نتایج را اعلام کردند. رتبه‌ی نخست به نگار یزدان‌پناه رسید. رتبه‌ی دوم میان سه نفر مساوی شد و رتبه‌ی سوم به هیچ‌کس داده نشد. خانم رادمنش توضیح داد که تفاوتِ امتیازها بسیار اندک بوده است. به هر یک از برندگان لوحِ تقدیر و کتابی از اشعارِ فروغ فرخزاد اهدا شد. همه‌ی شرکت‌کنندگان نیز گواهیِ حضور گرفتند.

در بخشِ پایانی، سرپرستِ انجمنِ ادبی، خانم فرزانه کیانی‌مهر، عصای چوبیِ انجمن را به نگار یزدان‌پناه داد و گفت که او تا بهمنِ سال بعد مسئولِ برگزاریِ جلسه‌های ماهانه خواهد بود. این عصا از سال ۱۳۷۲ تا کنون از دستِ هر دبیرِ انجمن به دستِ بعدی رسیده است. خانم کیانی‌مهر افزود که برای نخستین بار، جلسه‌های ماهانه از این پس در حیاطِ مدرسه و در هوای آزاد برگزار خواهد شد.

ادامه‌ی مطلب در صفحه‌ی ۴

ادامه‌ی مطلب در صفحه‌ی ۴

(ادامه‌ی مطلب از صفحه‌ی ۱)

نشانی تماس: ۱۲ خیابانِ ناشران، کوچه‌ی سوم، پلاک ۷، طبقه‌ی دوم، واحد ۲

تلفن: ۳۳۱۰۴۴۸۲

رایانامه: nashr@sabzpar.ir

وب‌سایت: www.sabzpar.ir

مدیرِ انتشارات: فرهاد نیک‌پی

ویراستار: مهتاب رادمنش

حروف‌نگار: سیمین طاهرخانی

طراحِ جلد: کامران سپهرنیا

چاپ: چاپخانه‌ی نقشِ آفتاب، کوهسار

شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

نوبتِ چاپ: اول، ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۲-۰۷۳-۵

سبزپر

انتشاراتِ سبزپر در سال ۱۳۹۱ به همت جمعی از دانش‌آموختگانِ رشته‌ی ادبیات در شهرِ کوهسار تأسیس شد. این انتشارات در آغاز تنها به چاپِ مجموعه‌شعرهای دانش‌آموزی می‌پرداخت و به‌تدریج دامنه‌ی کار خود را به داستان، نمایشنامه و پژوهش‌های ادبی گسترش داد. تا کنون بیش از ۱۸۰ عنوان کتاب در قطع‌های جیبی و رقعی از این انتشارات منتشر شده است.

سبزپر هر سال یک دوره‌ی کارگاهِ شعرِ نوجوان برگزار می‌کند و بسیاری از شاعرانی که امروز در مجله‌های ادبی می‌نویسند، نخستین کتاب‌هایشان را در همین انتشارات چاپ کرده‌اند. شعارِ انتشارات این جمله‌ی فروغ فرخزاد است: «باید از پنجره‌ها نور را به دیوارها تابید، نه سایه‌ها را».

فهرست

سرمقاله: ۲

گزارش: ۳

مصاحبه: ۵

نقد و بررسی: ۷

شعرِ نو: ۱۰

داستان: ۱۲

ادبیاتِ کودک: ۱۵

اخبارِ انجمن‌ها: ۱۸

نامه‌ها و پیام‌ها: ۲۰

فراخوان‌ها: ۲۲

سرمقاله

شعر در روزگارِ شتاب

نوشته‌ی: فرهاد نیک‌پی

در سال‌های اخیر، بارها شنیده‌ایم که شعر در روزگارِ ما جایی ندارد. که مردم وقت ندارند، که صفحه‌های ادبی تعطیل شده‌اند، که جوانان به‌جای خواندنِ شعر به ویدیوهای کوتاه روی آورده‌اند. این حرف‌ها تا حدی درست‌اند، اما نتیجه‌گیری نادرست است. شعر نه‌تنها از میان نرفته، بلکه شکل‌های تازه‌ای برای زیستن پیدا کرده است. کافی است به جلسه‌های شعرخوانی، به کانال‌های کوچکِ تلگرامی و به دفترهای دست‌نویسی که دانش‌آموزان در کشوی میز پنهان می‌کنند نگاه کنیم تا ببینیم شعر هنوز نفس می‌کشد.

مشکل شعر امروز کمتر در مخاطب و بیشتر در شیوه‌ی عرضه است. بسیاری از شاعران جوان هنوز با این پرسش روبه‌رو هستند که شعرشان را کجا و برای چه کسی بگویند. صفحه‌های ادبی روزنامه‌ها یا حذف شده‌اند یا به‌قدری محدود شده‌اند که عملاً دیده نمی‌شوند. در چنین شرایطی، شاعر ناچار است خودش راه پیدا کند: از طریق اینستاگرام، از طریق کانال، یا از طریق جلسه‌هایی که خود برگزار می‌کند. این راه‌ها ساده نیستند، اما دست‌کم شاعر را از انتظارِ بی‌حاصل نجات می‌دهند.

در این میان، نقش منتقد و سردبیر بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا کرده است. ما در انتشارات سبزپر تلاش کرده‌ایم که به شاعرانِ جوان فقط کتاب ندهیم، بلکه کنارشان بنشینیم و شعرشان را با دقت بخوانیم. گاهی یک شعر ده بار ویرایش می‌شود تا به شکلی برسد که شاعر خودش هم از آن راضی باشد. این کار وقت‌گیر است، اما تنها راهی است که می‌شناسیم برای ساختنِ اعتماد. شاعر جوان باید بداند که کسی شعرش را جدی گرفته است، حتی اگر در نهایت همه‌ی پیشنهادها را نپذیرد.

سرانجام، باید از خودِ شعر حرف بزنیم. شعرِ امروز نباید از ترس از کلیشه، خود را از هر تصویر و هر واژه‌ی زیبا محروم کند. زبانِ ساده، اگر صادق باشد، می‌تواند به اندازه‌ی زبانِ پیچیده عمیق باشد. آنچه شعر را می‌کشد تظاهر است، نه سادگی. شاعرِ جوان نباید بترسد که حرفِ تازه‌ای برای گفتن ندارد؛ کافی است به چیزهایی که خود می‌بیند و می‌شنود وفادار بماند. همان‌جا شعر شروع می‌شود.

گزارش

مشاعرهٔ بهمنِ دبیرستانِ دخترانهٔ نرگس و آیینِ سپردنِ عصا به نسلِ تازه

گزارش از: مهتاب رادمنش

بعدازظهرِ پنجشنبه ۲۲ بهمن، سالنِ اجتماعاتِ دبیرستانِ دخترانهٔ نرگس پر از جمعیتی بود که بیشترِ آن را دانش‌آموزان تشکیل می‌دادند. صندلی‌ها تا ردیفِ آخر پر شده بود و عده‌ای نیز ایستاده در کنارِ دیوارها ایستاده بودند. مشاعرهٔ سالانهٔ بهمن، که از سال ۱۳۷۲ برگزار می‌شود، امسال به‌گفتهٔ برگزارکنندگان بزرگ‌ترین دوره‌اش از نظرِ تعدادِ شرکت‌کنندگان بود. ۱۴۶ دانش‌آموز از ۱۲ کلاس در این برنامه شعر خواندند.

مشاعره ساعت ۴ و ۱۵ دقیقه با تلاوتِ آیه‌ای از سورهٔ نور آغاز شد. سپس مدیرِ دبیرستان، خانم فرزانه کیانی‌مهر، پشتِ تریبون رفت و گفت که انتخابِ این تاریخ عمدی بوده است. به گفتهٔ او، بهمن ماهِ کوهسار هم‌زمان است با روزهایی که بسیاری از دانش‌آموزان برای نخستین بار در انتخاباتِ شورای دانش‌آموزی رأی می‌دهند. او افزود: «می‌خواستیم به دختران یاد بدهیم که صدایشان فقط در کلاس شنیده نمی‌شود.»

داورانِ این دوره سه نفر بودند: خانم مهتاب رادمنش، دبیرِ ادبیاتِ فارسی و سرپرستِ انجمنِ ادبی دبیرستان؛ آقای کامران سپهرنیا، شاعر و مدرسِ دانشگاه که سال‌ها در کنارِ نرگس برنامه اجرا کرده است؛ و خانم دکتر نسرین وفادار، عضوِ هیئتِ علمیِ دانشگاهِ کوهسار و پژوهشگرِ شعرِ کلاسیک. داوران پیش از شروع اعلام کردند که معیارِ اصلی‌شان نه فقط وزن و قافیه، بلکه «نسبتِ شعر با زندگیِ امروزِ نوجوان» است. این جمله بعدها بارها در میانِ شرکت‌کنندگان تکرار شد.

نخستین شاعر، نگار یزدان‌پناه از کلاسِ دهمِ ریاضی، غزلی درباره‌ی کتابخانه‌ی محله خواند و سالن را با بیتی درباره‌ی بوی کاغذِ کهنه و صدای ورقِ زدن غرق در سکوت کرد. پس از او، ۱۴ دانش‌آموز دیگر به ترتیب بالا آمدند. برخی از آنان برای نخستین بار شعرِ خود را در جمعی این‌چنین بزرگ می‌خواندند. صدای لرزشِ دست و نفسِ بریده‌بریده‌ی چند نفر از آنان، به‌جای آنکه نقص تلقی شود، به فضای صمیمی‌تر برنامه کمک کرد.

در میانه‌ی برنامه، گروهِ تئاترِ مدرسه با اجرای کوتاهی از شعرِ «پنجره‌ها هنوز باز است» نوشته‌ی خانم مهتاب رادمنش، بخشی از برنامه را به خود اختصاص داد. در این اجرا، دانش‌آموزان بدون کلمه و تنها با حرکت و نور، فضای یک خانه‌ی قدیمی را ساختند. این بخش با تشویقِ ایستاده‌ی حاضران همراه شد. به گفته‌ی برگزارکنندگان، فیلمِ کامل این اجرا در کانالِ آپارات مدرسه در دسترس است.

در پایان، داوران به شور رفتند و نتایج را اعلام کردند. رتبه‌ی نخست به نگار یزدان‌پناه رسید. رتبه‌ی دوم میان سه نفر مساوی شد و رتبه‌ی سوم به هیچ‌کس داده نشد. خانم رادمنش توضیح داد که تفاوتِ امتیازها بسیار اندک بوده است. به هر یک از برندگان لوحِ تقدیر و کتابی از اشعارِ فروغ فرخزاد اهدا شد. همه‌ی شرکت‌کنندگان نیز گواهیِ حضور گرفتند.

در بخشِ پایانی، سرپرستِ انجمنِ ادبی، خانم فرزانه کیانی‌مهر، عصای چوبیِ انجمن را به نگار یزدان‌پناه داد و گفت که او تا بهمنِ سال بعد مسئولِ برگزاریِ جلسه‌های ماهانه خواهد بود. این عصا از سال ۱۳۷۲ تا کنون از دستِ هر دبیرِ انجمن به دستِ بعدی رسیده است. خانم کیانی‌مهر افزود که برای نخستین بار، جلسه‌های ماهانه از این پس در حیاطِ مدرسه و در هوای آزاد برگزار خواهد شد.

سرمقاله

شعر در روزگارِ شتاب

نوشته‌ی: فرهاد نیک‌پی

در سال‌های اخیر، بارها شنیده‌ایم که شعر در روزگارِ ما جایی ندارد. که مردم وقت ندارند، که صفحه‌های ادبی تعطیل شده‌اند، که جوانان به‌جای خواندنِ شعر به ویدیوهای کوتاه روی آورده‌اند. این حرف‌ها تا حدی درست‌اند، اما نتیجه‌گیری نادرست است. شعر نه‌تنها از میان نرفته، بلکه شکل‌های تازه‌ای برای زیستن پیدا کرده است. کافی است به جلسه‌های شعرخوانی، به کانال‌های کوچکِ تلگرامی و به دفترهای دست‌نویسی که دانش‌آموزان در کشوی میز پنهان می‌کنند نگاه کنیم تا ببینیم شعر هنوز نفس می‌کشد.

مشکل شعر امروز کمتر در مخاطب و بیشتر در شیوه‌ی عرضه است. بسیاری از شاعران جوان هنوز با این پرسش روبه‌رو هستند که شعرشان را کجا و برای چه کسی بگویند. صفحه‌های ادبی روزنامه‌ها یا حذف شده‌اند یا به‌قدری محدود شده‌اند که عملاً دیده نمی‌شوند. در چنین شرایطی، شاعر ناچار است خودش راه پیدا کند: از طریق اینستاگرام، از طریق کانال، یا از طریق جلسه‌هایی که خود برگزار می‌کند. این راه‌ها ساده نیستند، اما دست‌کم شاعر را از انتظارِ بی‌حاصل نجات می‌دهند.

در این میان، نقش منتقد و سردبیر بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا کرده است. ما در انتشارات سبزپر تلاش کرده‌ایم که به شاعرانِ جوان فقط کتاب ندهیم، بلکه کنارشان بنشینیم و شعرشان را با دقت بخوانیم. گاهی یک شعر ده بار ویرایش می‌شود تا به شکلی برسد که شاعر خودش هم از آن راضی باشد. این کار وقت‌گیر است، اما تنها راهی است که می‌شناسیم برای ساختنِ اعتماد. شاعر جوان باید بداند که کسی شعرش را جدی گرفته است، حتی اگر در نهایت همه‌ی پیشنهادها را نپذیرد.

سرانجام، باید از خودِ شعر حرف بزنیم. شعرِ امروز نباید از ترس از کلیشه، خود را از هر تصویر و هر واژه‌ی زیبا محروم کند. زبانِ ساده، اگر صادق باشد، می‌تواند به اندازه‌ی زبانِ پیچیده عمیق باشد. آنچه شعر را می‌کشد تظاهر است، نه سادگی. شاعرِ جوان نباید بترسد که حرفِ تازه‌ای برای گفتن ندارد؛ کافی است به چیزهایی که خود می‌بیند و می‌شنود وفادار بماند. همان‌جا شعر شروع می‌شود.

نشانی تماس: ۱۲ خیابانِ ناشران، کوچه‌ی سوم، پلاک ۷، طبقه‌ی دوم، واحد ۲

تلفن: ۳۳۱۰۴۴۸۲

رایانامه: nashr@sabzpar.ir

وب‌سایت: www.sabzpar.ir

مدیرِ انتشارات: فرهاد نیک‌پی

ویراستار: مهتاب رادمنش

حروف‌نگار: سیمین طاهرخانی

طراحِ جلد: کامران سپهرنیا

چاپ: چاپخانه‌ی نقشِ آفتاب، کوهسار

شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

نوبتِ چاپ: اول، ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۲-۰۷۳-۵

سبزپر

انتشاراتِ سبزپر در سال ۱۳۹۱ به همت جمعی از دانش‌آموختگانِ رشته‌ی ادبیات در شهرِ کوهسار تأسیس شد. این انتشارات در آغاز تنها به چاپِ مجموعه‌شعرهای دانش‌آموزی می‌پرداخت و به‌تدریج دامنه‌ی کار خود را به داستان، نمایشنامه و پژوهش‌های ادبی گسترش داد. تا کنون بیش از ۱۸۰ عنوان کتاب در قطع‌های جیبی و رقعی از این انتشارات منتشر شده است.

سبزپر هر سال یک دوره‌ی کارگاهِ شعرِ نوجوان برگزار می‌کند و بسیاری از شاعرانی که امروز در مجله‌های ادبی می‌نویسند، نخستین کتاب‌هایشان را در همین انتشارات چاپ کرده‌اند. شعارِ انتشارات این جمله‌ی فروغ فرخزاد است: «باید از پنجره‌ها نور را به دیوارها تابید، نه سایه‌ها را».

فهرست

سرمقاله: ۲

گزارش: ۳

مصاحبه: ۵

نقد و بررسی: ۷

شعرِ نو: ۱۰

داستان: ۱۲

ادبیاتِ کودک: ۱۵

اخبارِ انجمن‌ها: ۱۸

نامه‌ها و پیام‌ها: ۲۰

فراخوان‌ها: ۲۲